

رابطه تشدید سیاست پولی با قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و سرمایه گذاری کمتر از حد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

شبنم رضوانی نیا

کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص)، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

shabnamson14@gmail.com

محمد نصیری

گروه مدیریت و حسابداری، موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص)، تبریز، ایران.

mohammadnasiri1359@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تشدید سیاست پولی با قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و سرمایه گذاری کمتر از حد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. این پژوهش از نظر ماهیت و روش توصیفی و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی بوده و از آنجایی که در پژوهش حاضر وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع آوری اطلاعات، از طریق اطلاعات گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، در ردیف مطالعات توصیفی و از نوع پس رویدادی گنجانده می شود. در مسیر انجام این پژوهش، دو فرضیه تدوین و ۱۳۸ شرکت از طریق نمونه گیری به روش حذف سیستماتیک برای دوره زمانی ۸ ساله بین ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ انتخاب شده و داده های مربوط به متغیرهای پژوهش بعد از گردآوری در نرم افزار اکسل با استفاده از نرم افزار آماری ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان داد بین تشدید سیاست پولی (نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و رشد اقتصادی) با قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: تشدید سیاست پولی، قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، سرمایه گذاری کمتر از حد.

مقدمه

گزارش های مالی یکی از منابع اطلاعاتی در دسترس بازار سرمایه است که انتظار می رود در توسعه سرمایه گذاری و افزایش کارایی آن نقش ایفا نماید. در ادبیات مالی فاصله غیر معمول قیمت پیشنهادی فروش و خرید اوراق بهادار را نماد وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین خریداران و فروشندگان اوراق بهادار میدانند و دامنه فاصله قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام نمایشگر سطح عدم تقارن اطلاعاتی بین طرفین معامله می باشد و فرض می شود هر چه توزیع اطلاعات در بازار بصورت نامساوی تر و از کانالهای غیر رسمی تر انجام شود. دامنه عدم تقارن اطلاعاتی نیز بیشتر بوده و فاصله این دو قیمت پیشنهاد خرید و فروش سهام نیز بیشتر خواهد بود (قائمی و وطن پرست، ۱۳۸۴). از آنجا که گزارش های مالی؛ ابزاری برای افشای اطلاعات مالی قابل اعتماد و قابل اتکاست که در دسترس عموم قرار میگیرد در صورت بهنگام بودن می تواند از طریق کاهش اطلاعات خصوصی و محرمانه باعث کاهش احتمال گزینش نادرست توسط سرمایه گذاران. شود افشای اطلاعات با در دسترس کردن اطلاعات داخلی شرکت موجبات کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سرمایه گذاران را فراهم می آورد. لذا توجه به ویژگی های کیفی اطلاعات افشاء شده از قبیل قابلیت مقایسه و ثبات رویه حسابداری نیز اهمیت زیادی دارد.

محیط‌های اطلاعاتی شرکت‌ها و کیفیت اطلاعات حسابداری آنان می‌تواند در کاهش ناهماهنگی‌های اطلاعات بین تأمین‌کنندگان سرمایه و شرکت‌ها نقش بازی کند. شرکت‌هایی که کیفیت اطلاعات حسابداری کمتری دارند، تأمین مالی نامطلوبی را از سوی سهامداران متحمل می‌شوند و واکنش بیشتری نسبت به تغییرات غافلگیرکننده سیاست پولی دارند. شرکت‌هایی که دارای کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر هستند، نسبت به سیاست پولی حساسیت کمتری دارند اما شرکت‌هایی که فاقد حسابداری با کیفیت بالا هستند، نسبت به سیاست پولی حساسیت بیشتری دارند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

بیان مساله

سیاست پولی بخشی از سیاست‌های اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهد که از طریق آن مقامات پولی کشور تلاش می‌کنند در چارچوبی هماهنگ با سایر سیاست‌های اقتصادی، عرضه پول را به نحوی کنترل کنند که متناسب با اهداف کشور باشد. بدین ترتیب سیاست‌های پولی به مجموعه تدابیر و تصمیم‌هایی گفته می‌شود که از طریق بانک مرکزی برای کنترل حجم پول و اعتبار در نظر گرفته شده است تا از طریق تغییرات عرضه پول و نرخ بهره، جریان مخارج جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه، رسیدن به اهداف اقتصادی تسهیل گردد (منوچهرآبادی، ۱۳۹۴). اگر سیاست پولی به خوبی تدوین نشده باشد، در این صورت دیگر سیاستگذار پولی به اهداف خود نخواهد رسید و حتی ممکن است نتایج وخیمی را به بار بیاورد (اوناتسکی و ویلیامز، ۲۰۰۳).

در طول دوره سیاست‌های سختگیرانه پولی و در چارچوب وام‌دهی بانکی، اگرچه ریسک نکول بدهی افزایش می‌یابد اما بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری آن‌ها همچنان می‌تواند مقیاس استقراض بانکی را به میزان قابل توجهی افزایش دهد و هزینه استقراض بانکی شرکت‌های بوری را کاهش دهد. دوره تشدید سیاست‌های پولی، بانک‌ها منابع اعتباری بیشتری را به شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات حسابداری بالا تخصیص می‌دهند و این‌گونه شرکت‌ها می‌توانند با هزینه کمتری استقراض بانکی را دریافت کنند. شرکت‌هایی که اطلاعات حسابداری افشا شده آن‌ها، کیفیت بهتری دارد در هنگام اجرای سیاست‌های پولی انقباضی و با افزایش نیازهای مالی، وام‌های بانکی بیشتری با نرخ بهره بسیار کمتر دریافت می‌کنند. افشای اطلاعات با کیفیت بالاتر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین بانک‌ها و شرکت‌ها، افزایش اعتبار شرکت‌ها برای دریافت وام‌های بانکی، کاهش هزینه تأمین مالی بدهی و در نتیجه کاهش اثرات نامطلوب بی‌ثباتی سیاست‌های پولی در تأمین مالی بدهی شرکت‌ها کمک می‌کند (شانپینگ و ژیجون، ۲۰۱۱).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها بر سیاست‌های پولی تأثیر می‌گذارد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۹). این تأثیر از طریق حساسیت شرکت به نقایص بازار اعتباری است (کوتاری و لیندسی، ۲۰۱۹). از سوی دیگر تأثیر اخبار سیاست‌های پولی هم بر کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت حساس است. به عبارتی، شرایط اقتصادی و سیاست پولی، بر کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیرگذار است (گرانداستاف، ۲۰۲۰).

انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی عدم تقارن اطلاعات را به حداقل برساند و مدیریت را با منافع مالکان برای پیش بینی رفتارهای فرصت طلبانه همسو کند (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷؛ کائو و همکاران، ۲۰۱۸؛ منشاوی و همکاران، ۲۰۲۱). حاکمیت شرکتی همچنین می‌تواند بر نظارت بر اقدامات نماینده تأثیر بگذارد، به ویژه اینکه چگونه آنها در راستای منافع مدیر هستند. اثربخشی حاکمیت شرکتی در کاهش مشکلات احتمالی نمایندگی تابع عواملی است که یکی از آنها محیط کسب و کار است. در رابطه با سرمایه‌گذاری، مطالعات قبلی نشان داده‌اند که چگونه شرایط محیطی می‌تواند بر تصمیمات مدیریت در کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد (بلوم و همکاران، ۲۰۰۷). از میان این عوامل محیطی، رقابت تجاری - از آنجایی که ممکن است باعث عدم اطمینان شود (بیون و همکاران، ۲۰۱۲)، یکی از عوامل مؤثر بر رابطه بین

حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه گذاری است. همانطور که ابدو (۲۰۱۶)، اشاره کرد، سطوح بالای رقابت در صنعت ممکن است مدیریت را به سمت سرمایه گذاری ناکارآمد سوق دهد. این بدان معناست که مدیریت در میان رقابت شدید، نقشی در حفظ سودآوری سرمایه گذاری ها، تعیین خط مشی ها و اولویت های شرکت ایفا می کند.

کارایی سرمایه گذاری معمولاً زمانی حاصل می شود که یک سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص مثبت (NPV) باشد (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). برعکس، زمانی که سرمایه گذاری بیش از حد یا کم سرمایه گذاری وجود داشته باشد، گفته می شود که سرمایه گذاری بی اثر است، به سرمایه گذاری که به ترتیب از ارزش بهینه فراتر می رود یا کمتر از آن است (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹؛ اولاه و همکاران، ۲۰۲۰). ناکارآمدی سرمایه گذاری را می توان از طریق رویکردهای مختلفی توضیح داد، مانند نظریه نمایندگی، جریان نقدی آزاد، اعتماد بیش از حد، مدیریت استقرار و رده های بالا (لی و چن، ۲۰۱۹؛ اولاه و همکاران، ۲۰۲۰؛ منشاوی و همکاران، ۲۰۲۱). مطالعه حاضر به طور خاص از نظریه نمایندگی برای بررسی دقیق یافته ها پیروی می کند. طبق نظریه نمایندگی، یک سرمایه گذاری ناکارآمد ممکن است ناشی از خطر اخلاقی و انتخاب نامطلوب متناسب به تضادهای نمایندگی باشد که به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد می شود. پیشنهاد می شود که مدیریت در حالی که اطلاعات گسترده ای در مورد ارزش واقعی سرمایه گذاری ها در اختیار دارد، ممکن است در عوض از عدم تقارن اطلاعاتی برای انتخاب سرمایه گذاری هایی استفاده کند که به نفع مدیریت در هزینه منافع سهامدار یا اصلی باشد (سومان و سینگ، ۲۰۲۰).

با تکیه بر مطالب فوق پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال می باشد که بین تشدید سیاست پولی با قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و سرمایه گذاری کمتر از حد چه رابطه ای وجود دارد؟

پیشینه ی پژوهش

یانگ و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی تشدید سیاست پولی، قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و سرمایه گذاری کم: شواهدی از شرکت های فهرست شده A-share در چین از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ پرداختند. نتایج نشان داد که سیاست پولی سختگیرانه باعث تشدید سرمایه گذاری کم می شود. رفتارهایی مانند سرمایه گذاری ناکارآمد، در حالی که بهبود در مقایسه اطلاعات حسابداری می تواند به طور موثر تأثیر منفی سیاست پولی سختگیرانه را بر سرمایه گذاری کم کاهش دهد تا کارایی سرمایه گذاری شرکت را بهبود بخشد. مطالعه بیشتر نشان می دهد که در دوره سخت گیری سیاست های پولی، شرکت هایی با هزینه های نمایندگی بالا و محدودیت های تامین مالی بالا می توانند با بهبود قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، سرمایه گذاری پایین را به میزان قابل توجهی کاهش دهند و در نتیجه کارایی سرمایه گذاری شرکت ها را بهبود بخشند. پس از تمایز نوع مالکیت شرکت (شرکت های دولتی در مقابل شرکت های خصوصی)، متوجه می شویم که شرکت ها می توانند با بهبود قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، اثر سرمایه گذاری ناکافی را در طول دوره انقباض پولی کاهش دهند، که در نمونه قابل توجه تر است.

خوانگ و همکاران (۲۰۲۲)، با بررسی تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی و قابلیت مقایسه بررسی حسابداری بر پایداری سود نشان دادند پایداری سود شرکت های افشا کننده مسئولیت پذیری اجتماعی و شرکتهای با قابلیت مقایسه بالای حسابداری بیشتر است.

توی و همکاران (۲۰۲۱)، با تأثیر افشای مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی با تأکید بر نقش قابلیت مقایسه صورتهای مالی نشان دادند. مسئولیت پذیری اجتماعی دارای تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت های مورد مطالعه است و با افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات شدت رابطه افزایش می یابد.

تانه لیم (۲۰۲۱)، با بررسی تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی نشان داد قابلیت مقایسه تمایل شرکتها به مشارکت در مدیریت سود را کاهش میدهد. علاوه بر این، شرکتها می توانند به جای شرکتهای مختلف در همان صنعت وزن بیشتری به قابلیت مقایسه با تعداد کمی از شرکتها بدهند. را تا چزاک (۲۰۲۱)، با بررسی نقش تعدیلگری منابع اجتماعی و طبیعی بر روابط بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد شرکتها نشان داد فقط یک رابطه مستقیم بین مسئولیت اجتماعی محیطی و عملکرد مالی شرکت وجود داشت، و منافع اجتماعی شرکت سبب تقویت این رابطه می شود.

وانگ و همکاران^۳ (۲۰۲۰)، با بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و قابلیت مقایسه اطلاعات نشان دادند که با افزایش عملکرد مسئولیت پذیری اجتماعی، کیفیت و قابلیت مقایسه صورتهای مالی نیز افزایش می یابد که نشانگر این است که مدیران به لحاظ اخلاقی نگران منافع ذینفعان سازمانی هستند و برای تحقق آن تلاش می کنند. چن و گونگ (۲۰۱۹)، با بررسی تأثیر قابلیت مقایسه اطلاعات بر کیفیت گزارشگری و قیمت گذاری ارقام تعهدی نشان دادند با افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات کیفیت گزارشگری، صحت و دقت پیش بینی مدیریت از عملکرد آتی افزایش می یابد و همچنین رابطه مثبت بین ارقام تعهدی اختیاری و بازدهی سهام کاهش می یابد. لارا اوسما و گازیزوا (۲۰۱۸)، با بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی نشان دادند که با کاهش دامنه مسئولیت پذیری اجتماعی استفاده از ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود افزایش و کیفیت افشای اطلاعات کاهش می یابد.

چن و همکاران (۲۰۱۶)، وجود کانال ریسک پذیری سیاست پولی را در ۲۹ کشور طی بازه زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ به کمک داده های پانل بررسی کردند. آنها نشان دادند که در پی اجرای سیاست پولی انبساطی، ریسک بانکها افزایش می یابد و کانال ریسک پذیری وجود دارد.

أنجلونی و همکاران (۲۰۱۵)، با استفاده از داده های فصلی بازه زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۸ اقتصاد آمریکا، وجود کانال ریسک بانکی در انتقال سیاست پولی را برای این کشور مورد بررسی قرار دادند در این مطالعه ریسک بانکی به دو ریسک وجوه و ریسک وام دهی تقسیم شده است. نتایج حاکی از آن است که کانال ریسک بانکی در مکانیزم انتقال سیاست پولی قویا برای کشور آمریکا وجود دارد.

موتو (۲۰۱۲)، پژوهشی با عنوان رشد بهره وری، شفافیت و سیاست پولی انجام داده و بررسی میکنند که آیا شفافیت بانک مرکزی در مورد دیدگاههای مربوط به رشد بهره وری در آینده به تثبیت نوسانات کلان کمک میکند یا خیر در یک مدل استاندارد کینزی بانک مرکزی و کارگزاران خصوصی بر این باورند که پیش بینی های بانک مرکزی شامل خطاهای پیش بینی شده ممکن است به خطای سیاست در آینده منجر شود. در نتیجه شفافیت بانک مرکزی، لزوماً تغییرات شکاف تولید و نرخ تورم را تثبیت نمیکند.

سالوسکی و زولج (۲۰۱۲)، با بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی نشان دادند مسئولیت اجتماعی دارای تأثیر مثبت بر مدیریت سود و تأثیر منفی بر محافظه کاری دارد یعنی با افزایش مسئولیت پذیر اجتماعی شرکتها، خبرهای ید زودتر گزارش شده و احتمال به کارگیری سودهای مدیریت شده افزایش می یابد.

حاج موسوی و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی تأثیر شفافیت سیاست پولی بر رابطه سیاست پولی - ریسک پذیری بانکها، مطالعه بین کشوری پرداختند. در این پژوهش تأثیر شفافیت سیاست پولی بر رابطه سیاست پولی - ریسک پذیری بانکها با شاخص های مختلف شفافیت سیاست پولی دینسر و ایچنگرین (شفافیت سیاسی، شفافیت اقتصادی، شفافیت فرایندی، شفاف سازی سیاستی، شفافیت عملیاتی، سطح شفافیت کلی) با داده های تابلویی بانکها در کشورهای نوظهور اقتصادی، طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ با دو روش اقتصادسنجی، گشتاورهای تعمیم یافته، سیستمی و برآوردگر اثرات

ثابت بررسی گردید. نتایج برآورد مدل ها نشان می دهند، ضرایب شاخص های سیاست پولی، مثبت و در همه رگرسیون ها از نظر آماری معنی دار هستند و این نتیجه بیانگر آن است، همان طور که نرخ بهره کاهش می یابد، ریسک بانکی افزایش می یابد. نتایج برآوردها همچنین نشان می دهند که ریسک پذیری بانک ها در پاسخ به سیاست پولی انبساطی، همان طور که شفافیت سیاست پولی توسط بانک های مرکزی افزایش می یابد، کاهش می یابد و تأثیر شوک های سیاست پولی زمانی که سیاست پولی به شیوه ای شفاف تر طراحی و اجرا می شود، کم تر است.

بنابنی قدیم و همکاران (۱۴۰۱)، تاثیر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی بر قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری را بررسی کردند. یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی، نگرش اجتماعی شرکت ها برای تأمین منافع همه گروه های ذینفع به عنوان مشروعیت اجتماعی است. زیرا پذیرش مسئولیت اجتماعی سبب تقویت افشا، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش ریسک تجاری می شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی بر قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش همبستگی و پس رویدادی می باشد. برای این منظور ۹۸۴ سال-شرکت در فاصله زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۲ انتخاب و با استفاده از مدل های رگرسیونی چندمتغیره در نرم افزار ایویوز موردتحلیل قرار گرفتند. نتایج آزمون فرضیات نشان می دهد شاخص کل مسئولیت پذیری اجتماعی تأثیر مثبتی بر قابلیت مقایسه اطلاعات دارد و سبب افزایش آن می شود. همچنین بعد اخلاقی و بعد اقتصادی مسئولیت پذیری اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیرگذاری مثبت بر قابلیت مقایسه اطلاعات را دارند در حالی که بعد قانونی مسئولیت پذیری اجتماعی تأثیر معنی داری بر قابلیت مقایسه اطلاعات ندارد که می تواند ناشی از عدم وجود قابلیت های قانونی مورد انتظار برای پاسخگویی نسبت به مسئولیت اجتماعی واحدهای تجاری باشد.

حاجی هاشمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان تحلیل اثر شفافیت بانک مرکزی بر نوسانات تریخ ارز در اقتصاد ایران به بررسی اثر شفافیت بانک مرکزی بر نوسانات نرخ ارز در سال های ۱۳۶۰-۹۷ پرداختند. روش تحقیق، تحلیلی کاربردی و همبستگی با استفاده از مدل رگرسیونی اقتصادسنجی سالیانه می باشد. از شاخص دینسر و ایچنگرین برای اندازه گیری شفافیت بانک مرکزی به عنوان متغیر مستقل استفاده شده است و متغیر وابسته نوسانات نرخ ارز با استفاده از روش گارج می باشد. نتایج نشان میدهد که شفافیت بانک مرکزی در کوتاه مدت و بلند مدت باعث کاهش نوسانات نرخ ارز می شود و یک رابطه هم جمعی بلندمدت بین متغیرهای پژوهش وجود دارد. اکثر ادبیات موجود، تاثیر شفافیت سیاست پولی بر تاثیر سیاست بر تورم و رشد درآمد متمرکز شده اند و به ندرت بر تاثیر آن بر ثبات بانکی تمرکز می کند. در این پژوهش با بررسی تاثیرات تعاملی سیاست پولی و میزان شفافیت آن در رفتار ریسک پذیری بانک ها، این فضای خالی پر می شود.

رضایی پسته نوئی و عبدالهی (۱۳۹۸)، با بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و احتمال گزارشگری متقلبانانه نشان دادند که قابلیت مقایسه صورتهای مالی میتواند با افزایش شفافیت و قابل فهم بودن گزارش های مالی منجر به کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانانه شود.

احسانی و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان استخراج شفافیت بهینه بانک مرکزی جهت کاهش تلاطم در بازارهای مالی انجام داده اند. این پژوهش، درصدد نه سازی سطح شفافیت بانک مرکزی است؛ به گونه ای که تلاطم بازارهای مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری های اسلامی طی سالهای ۲۰۱۴-۲۰۲۰ حداقل شود. با به کارگیری روش گشتاورهای تعمیم یافته GMM آزلانو ه یاند و استفاده از شاخص دینی و ایچنگرین، به عنوان متغیر نماینده شفافیت حد بهینه شفافیت بانک مرکزی استخراج می شود. نتایج نشان میدهد که افزایش در سطح شفافیت بانک مرکزی تا نقطه ای خاص موجب کاهش تلاطم بازارهای مالی میشود و بعد از این نقطه اطلاعات اضافی از بانکهای مرکزی موجب تشدید تلاطم بازارهای مالی میگردد. از این رو حرکت با احتیاط، به سوی شفافیت سیاست پولی پیشنهاد

می شود؛ زیرا تلاطم بازارهای مالی می تواند به طور قابل ملاحظه ای کاهش یابد که دلالت بر مزایای مهم ثبات مالی دارد.

بادآورنهدی و همکاران (۱۳۹۷)، تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت را بررسی کردند. سرمایه گذاری بیشتر از حد، نوعی رفتار سرمایه گذاری است که از دسترسی بیشتر به جریان های نقد آزاد نشئت می گیرد. معمولاً دسترسی به منابع خارجی در شرکت های با ارتباطات سیاسی قوی، بیشتر است؛ از این رو، مدیران این شرکت ها با تصمیم های خود ممکن است عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار دهند. به همین منظور، در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. روش: برای دستیابی به هدف پژوهش، ۱۱۰ شرکت از تمام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ انتخاب شد و با استفاده از رویکرد داده های ترکیبی، فرضیه های پژوهش آزمون شدند. یافته ها: نتایج نشان می دهد ارتباطات سیاسی بر سرمایه گذاری بیشتر از حد تأثیر مثبتی داشته و بر عملکرد شرکت تأثیر منفی می گذارد. نتیجه گیری: ارتباطات سیاسی می تواند به شرکت ها کمک کند تا منابع مالی بیشتری به دست آورند، اما دسترسی به وام های تجاری نشئت گرفته از ارتباطات سیاسی، اعتبار مضاعفی ایجاد کرده و هزینه های مالی را افزایش می دهد. علاوه بر این، دخالت سیاستمداران ممکن است موجب تحریف در تخصیص منابع اجتماعی شده و به سرمایه گذاری بیشتر از حد و تضعیف عملکرد شرکت منجر شود.

اسدی و همکاران (۱۳۹۷)، با بررسی تأثیر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی بر ارزش آفرینی شرکت های دارویی و غیر دارویی، نشان دادند مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتها باعث کاهش عدم تقارنی اطلاعات و رعایت حقوق همه گروه های ذی نفع خواهد شد. اعمال رویه های اخلاقی در تهیه گزارشهای مالی و رعایت قوانین و مقررات کیفیت اطلاعات را بالا برده و موجب تصمیم گیری بهینه سرمایه گذاران می شود.

ستاری و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر شفافیت سیاست پولی در کشورهای منتخب خاورمیانه با هدف بررسی عوامل موثر بر شفافیت سیاست پولی در کشورهای منتخب خاورمیانه در دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۰ از روش داده های تابلویی استفاده نموده اند. نتایج به دست آمده از تخمین شش مدل نشان دهنده نقش منفی معنادار تورم دوره گذشته و همچنین اثر مثبت معنادار متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه تعمیق مالی و افزایش درجه باز بودن اقتصاد بر میزان شفافیت سیاست پولی در کشورهای منتخب خاورمیانه است.

رحمانی و قشقای (۱۳۹۶)، با بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه اطلاعات و مدیریت سود واقعی و تعهدی نشان دادند که بین ویژگیهای قابلیت مقایسه اطلاعات و مدیریت سود واقعی و تعهدی، رابطه ای وجود ندارد.

زلفی و همکاران (۱۳۹۶)، با بررسی عوامل مؤثر بر قابلیت مقایسه صورتهای مالی، با به کارگیری هزینه سرمایه به جای بازدهی در مدل قابلیت مقایسه نشان دادند که در این حالت متغیرهای اندازه مؤسسه حسابرسی دوره تصدی حسابرسان مدیریت سود و نوسانات بازده دارایی ها تأثیر معناداری بر میزان قابلیت مقایسه دارند.

پور عبدالله و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام نشان داد که قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام تأثیر معنی داری ندارد.

فرضیه های پژوهش

- ✓ اول: بین تشدید سیاست پولی و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری رابطه وجود دارد.
- ✓ دوم: بین تشدید سیاست پولی و سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق توصیفی است. توصیفی به این دلیل که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است و برای شناخت بیشتر شرایط موجود می باشد. این تحقیق، از نوع علی پس رویدادی می باشد؛ از روش پس رویدادی زمانی استفاده می شود که پژوهشگر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می پردازد و از جنبه هدف از نوع کاربردی است. برای آزمون فرضیه ها از نرم افزار Eviews 9.5 و از رگرسیون داده های تابلویی استفاده می شود. پس از گردآوری داده های پژوهش، در مرحله اول باید مشاهدات مرتب شوند و آماده انتقال به نرم افزار گردند. برای این کار معمولاً از نرم افزار اکسل استفاده می شود. نحوه مرتب کردن داده ها می تواند بر حسب نیاز به صورت مقطعی، سری زمانی و یا ترکیبی باشد، بعد از تکمیل داده ها در اکسل با نرم افزار ایویوز مورد تحلیل قرار گرفته و فرضیه ها تخمین زده می شود. نمونه آماری پژوهش حاضر کلیه بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۴۰۱ با اعمال محدودیت های زیر می باشد. بدین منظور نمونه آماری به روش غربالگری بعد از اعمال محدودیت های ذیل بدست می آید:

۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
 ۲. در دوره (۶ ساله) مورد بررسی تغییر دوره مالی نداده باشند.
 ۳. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
 ۴. سهام آن ها در بازار معامله شده باشد.
- با اعمال محدودیت های فوق ۱۳۸ شرکت پذیرفته شده در دوره زمانی ۶ ساله بین سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ در بورس اوراق بهادار تهران بعنوان نمونه این پژوهش انتخاب شده است (فهرست شرکت های انتخاب شده در پیوست الف به صورت کامل ارائه شده است).

تعریف عملیاتی متغیرها

مدل اول

accounting information comparability it = $\beta_0 + \beta_1 \text{ Monetary policy it} + \beta_2 \text{ Size it} + \beta_3 \text{ Loss it} + \beta_4 \text{ LEV it} + \beta_5 \text{ MTB it} + \beta_6 \text{ ROA it} + \varepsilon \text{ it}$

مدل دوم

underinvestment it = $\beta_0 + \beta_1 \text{ Monetary policy it} + \beta_2 \text{ Size it} + \beta_3 \text{ Loss it} + \beta_4 \text{ LEV it} + \beta_5 \text{ MTB it} + \beta_6 \text{ ROA it} + \varepsilon \text{ it}$

نوع	اسم	نماد
وابسته	قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری	accounting information comparability
	سرمایه گذاری کمتر از حد	underinvestment
مستقل	تشدید سیاست پولی	Monetary policy tightening
کنترلی	اندازه شرکت	Size
	زیاندهی	Loss
	اهرم مالی	LEV
	فرصت رشد	MTB
	بازده دارایی ها	ROA

متغیر وابسته

قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری (accounting information comparability)

برای اندازه گیری آن از مدل دفرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، استفاده می شود. در این مدل دو شرکت زمانی مشابه در نظر گرفته می شوند که برای مجموعه ای از رویدادهای اقتصادی یکسان (مثل بازده)، گزارش مالی (مثل سود حسابداری) مشابهی ارائه کرده باشند. برای اندازه گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j ابتدا برای هر شرکت-سال مدل رگرسیونی به شرح رابطه ۱ با استفاده از داده های سری زمانی (شش ماهه) برآورد می شود. برای دوره سه ساله اخیر منتهی به پایان سال t برآورده می شود.

رابطه ۱

$$Earning_{i,k} = a_{i,t} + \beta_{i,t} Return_{i,k} + \varepsilon_{i,k}$$

که در آن $Earning_{i,k}$ سود خالص شرکت i در شش ماه k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای شش ماه و $Return_{i,k}$ بازده سهام شرکت i در شش ماه k . ضرایب برآوردشده از رابطه ۱ برای هر شرکت-سال، معیاری از عملیات حسابداری آن شرکت است. یعنی \hat{a}_i و $\hat{\beta}_i$ نشان دهنده عملیات حسابداری شرکت i ضرایب \hat{a}_i و $\hat{\beta}_i$ معرف عملیات حسابداری شرکت i است. شباهت بین عملیات حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می دهد. به منظور برآورد تفاوت بین عملیات حسابداری دو شرکت i و j از مفهوم قابلیت مقایسه (ارائه گزارش های مشابه درباره مجموعه ای از رویداد های مشابه) استفاده می شود. از این رو، در هر سال از طریق رابطه های ۲ و ۳ سود شرکت i به طور جداگانه یکبار با ضرایب خود شرکت i یک بار با ضرایب شرکت j ، اما با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه ۱ پیش بینی می شود.

رابطه ۲

$$E(Earning)_{ii,k} = \hat{a}_i + \hat{\beta}_i Return_{i,k}$$

رابطه ۳

$$E(Earning)_{ij,k} = \hat{a}_j + \hat{\beta}_j Return_{i,k}$$

سپس قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t از طریق رابطه ۴ محاسبه می شود.

رابطه ۴

$$ComAcc_{ij,t} = \frac{-1}{8} \sum_{k=7}^k |E(Earning)_{ii,k} - E(Earning)_{ij,t}|$$

مقدار ریاضی بیشتر برای $ComAcc_{ij,t}$ نشان دهنده قابلیت مقایسه بیشتر بین دو شرکت است. به طریق مشابه برای هر سال و هر جفت شرکت i با شرکت های j عضو یک صنعت، معیار محاسبه می شود و میانگین ۴ عدد بزرگ تر محاسبه شده برای آن، معیار قابلیت مقایسه خاص شرکت i تعریف می شود که با نشان داده می شود.

سرمایه گذاری کمتر از حد (underinvestment)

به منظور آزمون تجربی باید از مدلی استفاده شود که بتواند حد مطلوب سرمایه گذاری را تعیین نماید. بررسی پژوهش های قبلی برای تعیین این حد مطلوب نشان می دهد که بسیاری از پژوهشگران از مدل فرصت های رشد شرکت برای برآورد حد مطلوب سرمایه گذاری، استفاده نموده اند (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). مبانی نظری این مدل، بر این نکته استوار است که فرصت های رشد شرکت باید سرمایه گذاری های جدید شرکت را توجیه نماید. به بیان

دیگر، انتظار بر آن است که در رگرسیون بین این دو متغیر، فرصت های رشد، قابلیت توضیح سرمایه گذاری های شرکت را داشته باشند. بنابراین، در صورتی که فرصت های رشد نتواند سرمایه گذاری های شرکت را توضیح دهد، مقادیر خطای حاصل، ناکارایی سرمایه گذاری (بیش سرمایه گذاری و کم سرمایه گذاری) را نشان خواهد داد. برای محاسبه سرمایه گذاری، عموماً از تغییر در دارایی های ثابت مشهود یا تغییر در کل دارایی ها یا تغییر در دارایی های غیر جاری یا تغییر در سرمایه گذاری های بلندمدت استفاده می شود. در این پژوهش برای محاسبه سرمایه گذاری از تغییر در کل دارایی ها استفاده شده است.

در این پژوهش، بیش سرمایه گذاری و کم سرمایه گذاری با استفاده از رابطه زیر که حاصل کار تهرانی و حصار زاده (۱۳۸۸)، به عنوان مدل تعیین بیش و کم سرمایه گذاری شرکت ها در ایران بوده، استفاده شده است.

$$I_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 SG_{it-1} + \beta_4 ROA_{it-1} + \beta_5 OP_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

CFO_{it-1} : جریان نقد عملیاتی سال جاری تقسیم بر کل داراییهای ابتدای سال.

MTB_{it} : ارزش بازار به ارزش دفتری سهام شرکت.

SG_{it-1} : رشد فروش که از تقسیم تغییرات فروش سال جاری با سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل به دست می آید.

ROA_{it-1} : بازده داراییها که برابر با سود خالص تقسیم بر داراییهای ابتدای سال جاری است.

OP_{it-1} : سود عملیاتی سال جاری تقسیم بر داراییهای ابتدای سال جاری است.

ε_{it} : جز خطا (که مقدار مثبت جزء خطا، بیش سرمایه گذاری را نشان میدهد و مقدار منفی جز خطا، کم سرمایه گذاری را نشان میدهد). با ضرب خطای حاصل شده در منفی ۱ مقدار کارایی سرمایه گذاری حاصل می شود.

متغیر مستقل

تشدید سیاست پولی (Monetary policy tightening)

مطابق باغومیان و همکاران (۲۰۱۷)، از چهار معیار زیر برای محاسبه تشدید سیاست پولی (نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و رشد اقتصادی) استفاده شده است:

نرخ تورم ($INFR$): توسط بانک مرکزی منتشر می شود. در این مطالعه، تغییرات در $INFR$ با استفاده از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$\text{نرم تورم} = \frac{\text{نرخ تورم سال گذشته} - \text{نرخ تورم سال جاری}}{\text{نرخ تورم سال گذشته}}$$

نرخ بهره ($INTR$): توسط بانک مرکزی منتشر شده است. در این مطالعه، تغییرات $INTR$ با استفاده از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$\text{نرم بهره} = \frac{\text{نرخ بهره سال گذشته} - \text{نرخ بهره سال جاری}}{\text{نرخ بهره سال گذشته}}$$

نرخ ارز ($EXCR$): این نرخ ارزش پول یک کشور در برابر ارز کشور دیگر است و یک عامل اقتصادی برای مقایسه با سایر کشورها است و همچنین شرایط اقتصادی کشور را از منظر ثبات نشان می دهد. تغییرات $EXCR$ با استفاده از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$\text{نرم بهره} = \frac{\text{نرخ ارز سال گذشته} - \text{نرخ ارز سال جاری}}{\text{نرخ ارز سال گذشته}}$$

رشد اقتصادی (ECOG): برای برآورد بسیاری از اقلام کلان اقتصادی و به عنوان شاخص مهم عملکرد اقتصادی در تحلیل ها و ارزیابی ها استفاده می شود. منبع این متغیر بانک مرکزی است و روش محاسبه شامل تخمین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در پایان و ابتدای سال معین است. ECOG با استفاده از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$\text{نرم بهره} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال گذشته} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال گذشته}}$$

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی ها شرکت i در سال t (مشایخی و فرهادی، ۱۳۹۲). از این متغیر جهت کنترل اندازه شرکت ها استفاده می شود.

زیاندهی (Loss): اگر شرکت در پایان سال مالی زیان گزارش کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختیار می کند.

اهرم مالی (LEV): نسبت ارزش دفتری بدهی های بلندمدت به ارزش دفتری کل دارایی های شرکت i در سال t (احمد^۱ و همکاران، ۲۰۰۲؛ نوروش و یزدانی، ۱۳۸۹)، از این متغیر جهت کنترل پوشش بدهی شرکت ها استفاده می شود.

$$\text{اهرم مالی} = \frac{\text{ارزش دفتری کل بدهی ها}}{\text{ارزش دفتری کل دارایی ها}}$$

فرصت رشد (MTB): عبارت است نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (حاصل ضرب قیمت بازار هر سهم در پایان هر سال در تعداد سهام) به ارزش دفتری آن در شرکت i در سال t . (احمد و دلیمان^۲، ۲۰۰۷). از این متغیر جهت کنترل فرصت های رشد در بازار استفاده می شود.

$$\text{فرصت رشد} = \frac{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}}{\text{میانگین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}}$$

بازده دارایی ها (ROA): عبارت است از نسبت سود عملیاتی به کل دارایی ها در سال t .
$$\text{بازده دارایی ها} = \frac{\text{سود خالص قبل از بهره و مالیات}}{\text{ارزش دفتری کل دارایی ها}}$$

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

به منظور شناخت بهتر جامعه مورد پژوهش و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده های آماری، لازم است این داده ها توصیف شوند. بنابراین پیش از آزمون فرضیه های تحقیق، آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. میانگین به عنوان یکی از پارامترهای مرکزی، نشان دهنده ی مرکز ثقل جامعه بوده و به عبارتی مبین این امر است که اگر به جای تمامی مشاهدات جامعه میانگین آن قرار داده شود هیچ تغییری در جمع کل داده های جامعه ایجاد نمی گردد. همچنین بیشینه، بیشترین عدد متغیر در جامعه آماری و کمینه کمترین عدد متغیر در جامعه ی آماری را نشان می دهد.

¹ Ahmed

² Ahmed & Duellman

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری	سرمایه گذاری کمتر از حد	نرخ بهره	نرخ تورم	نرخ ارز	رشد اقتصادی	اندازه شرکت	زیاندهی	اهرم مالی	فرصت رشد	بازده دارایی‌ها
میانگین	-۰.۴۸۳	-۰.۱۲۴	۰.۰۲۳	۰.۳۲۱	۰.۳۹۳	-۰.۱۰۷	۱۴۶۳۱	۰.۱۰۷	۰.۵۴۹	۳.۲۵۱	۰.۲۰۲
میانه	-۰.۴۹۵	-۰.۱۰۶	۰.۰۵۲	۰.۱۳۷	۰.۰۴۵	۰.۰۰۰	۱۴.۳۴۵	۰	۰.۵۵۰	۲.۲۹۸	۰.۱۸۰
انحراف معیار	۰.۱۴۱	۰.۰۹۷	۰.۱۰۲	۰.۷۷۴	۰.۷۷۸	۰.۳۲۱	۱.۶۵۳	۰.۳۰۹	۰.۲۱۵	۴.۷۸۰	۰.۱۵۲
بیشترین	-۰.۰۳۴	۰.۰۰۰	۰.۱۷۶	۲.۲۵	۲.۵۴۵	۰.۱۳۹	۲۰.۱۸۳	۱	۱.۳۲۶	۵۱.۸۸۲	۱.۳۵۹
کمترین	-۰.۸۰۸	-۰.۸۴۵	-۰.۱	-۰.۵۵۰	-۰.۰۴۸	-۰.۹۹۸	۱۱.۰۳۳	۰	۰.۰۱۲	۳۱.۹۱۲	-۰.۲۸۸
چولگی	۰.۳۴۲	-۱.۶۱۴	-۰.۰۲۳	۱.۴۸۶	۲.۲۸۱	-۲.۲۸۹	۰.۷۷۱	۲.۵۳۴	۰.۰۱۶	۲.۵۸۶	۰.۹۰۸
کشیدگی	۲.۷۲۱	۸.۰۲۴	۱.۳۷۸	۴.۵۳۵	۶.۵۴۳	۶.۶۲۶	۳.۵۱۵	۷.۴۲۳	۳.۰۶۵	۳۵.۲۷۲	۶.۹۳۰
توزیع فراوانی متغیر زیاندهی											
عنوان		فراوانی			درصد فراوانی						
شرکت های بدون زیاندهی		۷۳۹			۸۹.۲۵						
شرکت های دارای زیاندهی		۸۹			۱۰.۷۵						
مجموع		۸۲۸			۱۰۰						

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای اندازه شرکت برابر با (۱۴۶۳۱) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر در آمار توصیفی کلی، برای فرصت رشد برابر با ۴.۷۸۰ و برای سرمایه گذاری کمتر از حد برابر است با ۰.۰۹۷ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند.

آزمون مانایی متغیرها

آزمون مانایی عمدتاً به منظور جلوگیری از رگرسیون‌های کاذب انجام می‌گیرد. برای جلوگیری از رگرسیون کاذب بایستی متغیرها مانا باشند. در غیر اینصورت بایستی از تفاضل متغیرها که معمولاً مانا هستند، استفاده نمود. مانایی یا نامانایی یک سری زمانی می‌تواند تأثیر جدی بر رفتار و خواص آن داشته باشد. اگر متغیرهای مورد استفاده در برآورد مدل، ناپایا باشند در عین حالی که ممکن است هیچ رابطه منطقی بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود نداشته باشد ضریب تعیین به دست آمده آن می‌تواند بسیار بالا باشد و باعث شود تا محقق استنباط‌های نادرستی در مورد میزان ارتباط بین متغیرها انجام دهد بنابراین استفاده از داده‌های نامانا می‌تواند منجر به رگرسیون‌های کاذب شود. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد و فرضیه مقابل پایابودن حداقل یک عضو پانل می‌باشد.

ریشه واحد وجود دارد و متغیر مورد نظر نامانا است : H_0
ریشه واحد وجود ندارد و متغیر مورد نظر مانا است : H_1

نتایج آزمون مانایی متغیرها به شرح زیر می باشد :

جدول (۲): آزمون مانایی (هادری) برای متغیرهای پژوهش

نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری	-۱۱.۰۴۲	۰.۰۰۰	مانا است
سرمایه گذاری کمتر از حد	-۱۶.۱۲۴	۰.۰۰۰	مانا است
نرخ تورم	-۲۶.۹۸۱	۰.۰۰۰	مانا است
نرخ بهره	-۱۷.۲۴۰۰	۰.۰۰۰	مانا است
نرخ ارز	-۲۲.۵۱۹	۰.۰۰۰	مانا است
رشد اقتصادی	-۱۶.۰۵۱	۰.۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	۰.۴۱۶	۰.۶۶۱	مانا نیست
زیاندهی	-۱۴.۲۸۸	۰.۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	-۵.۱۷۰	۰.۰۰۰	مانا است
فرصت رشد	-۲۱.۳۱۷	۰.۰۰۰	مانا است
بازده دارایی‌ها	-۱۰.۹۸۰	۰.۰۰۰	مانا است
آزمون هم جمعی			
	آماره	سطح معناداری	
مدل اول	-۷.۷۸۸	۰.۰۰۰	
مدل دوم	-۲۴.۶۰۴	۰.۰۰۰	

با توجه به جدول شماره ۲ مشاهده می شود سطح معناداری همه متغیرها (به جز اندازه شرکت) کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرهاست. همچنین در بررسی مدل خطاها مشاهده میشود سطح معناداری هر دو مدل کمتر از ۵ درصد است و بیانگر مانا بودن آزمون ها میباشد.

آزمون تشخیص توزیع نرمال

یکی از آزمون‌هایی که نرمال بودن متغیرهای مورد استفاده را مورد آزمون قرار می دهد آزمون جارک-برا است. بنابراین در این آزمون، فرض های ذیل تدوین می شود.

داده ها دارای توزیع نرمال است: H_0

داده ها دارای توزیع نرمال نیست: H_1

اگر مقادیر محاسباتی آماره جارک-برا (J-B) از مقدار بحرانی جدول کای دو بزرگتر نباشد، نرمال بودن توزیع جملات پسماند رد نمی شود. اما زمانی که اندازه نمونه به میزان کافی بزرگ باشد و سایر فروض کلاسیک نیز برقرار باشند، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون توزیع نرمال

نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری	۴.۷۲۶	۰.۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
سرمایه گذاری کمتر از حد	۱۰.۰۴۹	۰.۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
نرخ تورم	۹.۳۵۶	۰.۰۰۰	توزیع نرمال ندارد

توزیع نرمال ندارد	۰.۰۰۰	۱۱.۲۲۸	نرخ بهره
توزیع نرمال ندارد	۰.۰۰۰	۱۳.۴۸۵	نرخ ارز
توزیع نرمال ندارد	۰.۰۰۰	۱۳.۴۲۲	رشد اقتصادی
توزیع نرمال ندارد	۰.۰۰۰	۷.۵۲۵	اندازه شرکت
توزیع نرمال ندارد	۰.۰۰۰	۵.۷۱۰	زیاندهی
توزیع نرمال ندارد	۰.۰۰۶	۲.۴۹۳	اهرم مالی
توزیع نرمال ندارد	۰.۰۰۰	۱۳.۴۶۳	فرصت رشد
توزیع نرمال ندارد	۰.۰۰۰	۷.۵۶۶	بازده دارایی‌ها
آزمون نرمالیت خطا			
نتیجه	سطح معناداری	آماره	
توزیع نرمال دارد	۰.۸۸۶	۴.۵۱۷	مدل اول
توزیع نرمال دارد	۰.۱۴۶	۳.۰۸۶	مدل دوم

نرمال بودن متغیرها: طبق نتایج آزمون مشاهده می شود که سطح معناداری متغیرها کمتر از ۵ درصد می باشد لذا دارای توزیع نرمال نمی باشند. همچنین در بررسی مدل های خطا مشاهده میشود که سطح همه ی آزمون ها بیشتر از ۵ درصد بوده و دارای توزیع نرمال می باشند.

آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن

گاهی اوقات داده هایی که ما با آن ها روبرو هستیم هم دربرگیرنده داده های سری زمانی و هم مقطعی می باشد. به چنین مجموعه ای از داده ها عموماً پانلی از داده ها یا پانل دیتا شناخته شده است. در برآورد مدل پانل دیتا با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با مدل پول دیتا (pool data) مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا (panel data) گفته می شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمونی به نام اف-لیمر استفاده می شود. بنابراین آزمون اف-لیمر برای انتخاب بین روشهای رگرسیون پول دیتا (تلفیقی) و رگرسیون با اثرات ثابت استفاده می شود. در صورتی که میزان معناداری آماره ی چاو (prob) کمتر از سطح ۰.۰۵ باشد، داده های تابلویی (پانل دیتا) انتخاب می شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول (۴): نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدل اول	۱۳.۵۸	۰.۰۰۰	داده های تابلویی
مدل دوم	۲.۵۴	۰.۰۰۰	داده های تابلویی

با توجه به جدول ۴، چون سطح معناداری آزمون اف لیمر در هر دو مدل کمتر از ۵ درصد است، از این رو رویکرد داده های تابلویی (پانل دیتا) در مقابل رویکرد داده های تلفیقی (پول) مورد پذیرش قرار می گیرند.

جدول (۵): نتایج آزمون هاسمن

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدل اول	۴.۰۹	۰.۹۰۵	اثرات ثابت
مدل دوم	۳.۸۴	۰.۹۲۱	اثرات ثابت

با توجه به جدول ۵ چون سطح معناداری در هر دو مدل بیشتر از ۵ درصد است، از این رو رویکرد اثرات ثابت در مقابل رویکرد اثرات تصادفی عرض از مبدأ مورد پذیرش قرار می گیرند.

ناهمسانی واریانس در مقادیر خطا

در ترکیب داده های مقطعی و سری زمانی، تا حد زیادی مشکلات مربوط به ناهمسانی واریانس و خود همبستگی سریالی را رفع می کند. به هر حال، زمانی که داده های پژوهش از نوع ترکیبی است و قصد بررسی فروض کلاسیک وجود داشته باشد، از بین فروض مذکور صرفاً فرض های ناهمسانی واریانس و خود همبستگی سریالی مورد تایید قرار می گیرد. فرض های آماری این آزمون به شرح ذیل است:

- ✓ فرضیه ی صفر: H_0 واریانس مقادیر خطا همسان است.
- ✓ فرضیه ی مقابل: H_1 واریانس مقادیر خطا همسان نیست.

جدول (۶): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس (برپوش - پاگان - گودفری)

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	مدل های پژوهش
وجود ناهمسانی واریانس	۰.۰۰۰	۱.۵۰۵	مدل اول
وجود ناهمسانی واریانس	۰.۰۰۰	۱۳۴۸۷.۱۹	مدل دوم

نتایج حاصل در جدول ۶ نشان می دهد که سطح معنی داری آزمون در هر دو مدل کمتر از ۵ درصد می باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص می باشد. لازم به توضیح است که این مشکل در تخمین نهایی مدل ها رفع گردیده (با روش وزن دهی به داده ها از طریق دستور gls) است.

خود همبستگی مقادیر خطا

در مطالعات اقتصادسنجی که بر مبنای سری های زمانی قرار دارند، فرض عدم خود همبستگی سریالی بین جملات پسماند که از فروض مهم مدل کلاسیک است، اغلب نقض می شوند، بنابراین لازم می باشد که قبل از تفسیر نتایج حاصل، به بررسی پدیده خود همبستگی سریالی بین جملات پسماند پرداخته شود؛ زیرا در صورت وجود خودهمبستگی سریالی بین اجزاء اخلاص، تخمین زن های OLS دیگر در بین تمام تخمین زن ها بدون تورش، کارا نیستند یعنی دارای حداقل واریانس نمی باشند و در نتیجه استنباط آماری، قابل اعتماد نخواهد بود این مشکل بیشتر در داده های سری زمانی دیده می شود. در این آزمون فرضیه ها به شکل زیر است:

جملات پسماند دارای خودهمبستگی سریالی نیستند: H_0

جملات پسماند دارای خودهمبستگی سریالی هستند: H_1

جدول (۷): نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی (برپوش - گودفری)

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	مدل های پژوهش
وجود خودهمبستگی سریالی	۰.۰۰۰	۲۳.۲۶۱	مدل اول
عدم وجود خودهمبستگی سریالی	۰.۰۵۸	۳.۶۵۰	مدل دوم

با توجه به نتایج جدول شماره ۷، مشاهده می شود که سطح معناداری آزمون در مدل اول کمتر از ۵ درصد می باشد و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی است. که با استفاده از دستور AR(۱) که همان خودرگرسیو مرتبه اول می باشد که در نرم افزار، این مشکل رفع شده است.

فرضیه اول

بین تشدید سیاست پولی و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری رابطه وجود دارد.

جدول (۸): تخمین نهایی مدل رگرسیونی اول

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
---------	-------	------------------------	---------	--------------

۰.۰۰۰	-۱۴.۰۹	۰.۰۴۶	-۰.۶۶۱	نرخ بهره
۰.۰۰۰	۴.۰۱	۲.۰۲۶	۸.۱۲۴	نرخ تورم
۰.۰۰۰	۱۰.۱۴	۰.۷۸۰	۷.۹۱۸	نرخ ارز
۰.۰۰۰	-۹.۵۲	۰.۷۶۲	-۷.۲۵۳	رشد اقتصادی
۰.۰۰۰	۹.۸۳	۰.۷۷۸	۷.۶۵۷	اندازه شرکت
۰.۰۱۴	-۲.۴۷	۰.۰۹۷	-۰.۲۳۹	زیاندهی
۰.۰۰۳	۳	۰.۰۰۳	۰.۰۰۹	اهرم مالی
۰.۰۲۷	۲.۲۲	۰.۸۵۰	۱.۸۸۴	فرصت رشد
۰.۰۰۰	۳.۵۶	۱.۲۱۲	۴.۳۱۷	بازده دارایی‌ها
۰.۰۰۰	۳.۵۵	۱.۶۲۴	۵.۷۷۲	عرض از مبدا
سایر آماره های اطلاعاتی				
۲.۱۵	دوربین واتسون		۸۸ درصد	ضریب تعیین تعدیل شده
۰.۰۰۰	سطح معناداری آماره فیشر		۱۷.۶۸	آماره فیشر

مشاهده می شود که متغیر نرخ بهره دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که بین تشدید سیاست پولی (نرخ بهره) و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری رابطه وجود دارد. همچنین مشاهده می شود که متغیر نرخ تورم دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که بین تشدید سیاست پولی (نرخ تورم) و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری رابطه وجود دارد. همچنین مشاهده می شود که متغیر نرخ ارز دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که بین تشدید سیاست پولی (نرخ ارز) و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری رابطه وجود دارد. همچنین مشاهده می شود که متغیر رشد اقتصادی دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که بین تشدید سیاست پولی (رشد اقتصادی) و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری رابطه وجود دارد. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، زیاندهی، اهرم مالی، فرصت رشد و بازده دارایی‌ها دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشند لذا با متغیر وابسته (قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری) ارتباط دارند.

فرضیه دوم

بین تشدید سیاست پولی با و سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه وجود دارد.

جدول (۹): تخمین نهایی مدل رگرسیونی دوم

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
نرخ بهره	۰.۰۰۳	۰.۰۰۱	۲.۲۰	۰.۰۲۸
نرخ تورم	-۰.۷۷۵	۰.۰۴۲	-۱۸.۴۴	۰.۰۰۰
نرخ ارز	۰.۷۸۴	۰.۲۹۷	۲.۶۴	۰.۰۰۹
رشد اقتصادی	-۰.۰۸۰	۰.۰۳۲	-۲.۴۶	۰.۰۱۴
اندازه شرکت	۱.۵۷۹	۰.۲۹۱	۵.۴۲	۰.۰۰۰
زیاندهی	۰.۴۴۳	۰.۱۷۹	۲.۴۷	۰.۰۱۴
اهرم مالی	۱.۴۶۰	۰.۳۰۲	۴.۸۲	۰.۰۰۰
فرصت رشد	-۰.۰۳۰	۰.۰۱۲	-۲.۴۶	۰.۰۱۴
بازده دارایی‌ها	۲.۱۲۹	۰.۴۳۳	۴.۹۱	۰.۰۰۰
عرض از مبدا	۱۳.۴۲۷	۰.۲۴۸	۵۳.۹۶	۰.۰۰۰

سایر آماره های اطلاعاتی			
۲.۱۰	دوربین واتسون	۸۵ درصد	ضریب تعیین تعدیل شده
۰.۰۰۰	سطح معناداری آماره فیشر	۰.۸۷	آماره فیشر

مشاهده می شود که متغیر نرخ بهره دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که ویژگی بانکی بر رابطه بین تشدید سیاست پولی (نرخ بهره) با و سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه وجود دارد. همچنین مشاهده می شود که متغیر نرخ تورم دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که ویژگی بانکی بر رابطه بین تشدید سیاست پولی (نرخ تورم) با و سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه وجود دارد.

همچنین مشاهده می شود که متغیر نرخ ارز دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که ویژگی بانکی بر رابطه بین تشدید سیاست پولی (نرخ ارز) با و سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه وجود دارد.

همچنین مشاهده می شود که متغیر رشد اقتصادی دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که ویژگی بانکی بر رابطه بین تشدید سیاست پولی (رشد اقتصادی) با و سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه وجود دارد.

متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، زیاندهی، اهرم مالی، فرصت رشد و بازده دارایی ها دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشند لذا با متغیر وابسته (سرمایه گذاری کمتر از حد) ارتباط دارند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج تحقیق حاضر نشان داد بین تشدید سیاست پولی و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین تشدید سیاست پولی با و سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه معناداری وجود دارد. در این راستا یانگ و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی تشدید سیاست پولی، قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و سرمایه گذاری کم: چین از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ پرداختند. نتایج نشان داد که سیاست پولی سختگیرانه باعث تشدید سرمایه گذاری کم می شود. رفتارهایی مانند سرمایه گذاری ناکارآمد، در حالی که بهبود در مقایسه اطلاعات حسابداری می تواند به طور موثر تأثیر منفی سیاست پولی سختگیرانه را بر سرمایه گذاری کم کاهش دهد تا کارایی سرمایه گذاری شرکت را بهبود بخشد. مطالعه بیشتر نشان می دهد که در دوره سخت گیری سیاست های پولی، شرکت هایی با هزینه های نمایندگی بالا و محدودیت های تامین مالی بالا می توانند با بهبود قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، سرمایه گذاری پایین را به میزان قابل توجهی کاهش دهند و در نتیجه کارایی سرمایه گذاری شرکت ها را بهبود بخشند. پس از تمایز نوع مالکیت شرکت (شرکت های دولتی در مقابل شرکت های خصوصی)، متوجه می شویم که شرکت ها می توانند با بهبود قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، اثر سرمایه گذاری ناکافی را در طول دوره انقباض پولی کاهش دهند، که در نمونه قابل توجه تر است.

سیاست پولی برای ارتقای توسعه پایدار اقتصادی بسیار مهم است و سیاست های پولی مختلف تأثیرات متفاوتی بر کارایی سرمایه گذاری بنگاه ها دارد. مطالعات زیادی در مورد سیاست های پولی و سطح سرمایه گذاری، فرصت سرمایه گذاری، هزینه سرمایه گذاری و حساسیت جریان نقدی سرمایه گذاری انجام شده است (کیم و کونگ، ۲۰۱۷)، اما مطالعات نسبتاً کمی در مورد سیاست پولی و کارایی سرمایه گذاری سیاست پولی سست تمایل به افزایش انتظارات اقتصادی شرکت ها، افزایش فرصت های سرمایه گذاری و افزایش انگیزه های سرمایه گذاری دارد که می تواند رفتار سرمایه گذاری شرکت ها را مخدوش کند (چن و همکاران، ۲۰۱۱)، و در نتیجه بر کارایی سرمایه گذاری شرکت ها تأثیر بگذارد (تان و

همکاران، ۲۰۱۸). هنگامی که یک سیاست پولی از سست به سست تغییر می‌کند، نقدینگی بانک تنگ‌تر می‌شود، عرضه اعتبار بانکی کاهش می‌یابد، محیط مالی و عملیاتی بدتر می‌شود، شرکت‌ها با عدم اطمینان بیشتر در محیط عملیاتی و محدودیت‌های تامین مالی بیشتر مواجه می‌شوند و ریسک عملیاتی و هزینه تامین مالی افزایش می‌یابد. تصمیم گیرندگان شرکت در انتظارات خود از بازار آینده بدبین تر هستند و مالی شرکت‌ها بیشتر در معرض بحران قرار می‌گیرند (دی گریو و همکاران، ۲۰۰۸). برخی از شرکت‌ها مقیاس سرمایه‌گذاری خود را به دلیل کمبود بودجه کاهش می‌دهند، مخارج خود را محدود می‌کنند، که منجر به سرمایه‌گذاری کم و سرمایه‌گذاری ناکارآمد می‌شود. علاوه بر این، مازاد بدهی ناشی از تامین مالی بیش از حد در دوره‌هایی با سیاست پولی سست، توانایی تامین مالی شرکت را در یک محیط تنگ محدود کرده و بر سطح سرمایه‌گذاری شرکت تاثیر می‌گذارد. ریکتی و همکاران (۲۰۱۳)، دریافته‌اند که تامین مالی بیش از حد پتانسیل سرمایه‌گذاری بیش از حد را زمانی که محیط پولی سست تر است افزایش می‌دهد. وقتی سیاست‌های کلان اقتصادی سخت‌تر می‌شود، یک مکانیسم بازخورد منفی که در آن «ارزش خالص کاهش می‌یابد - توانایی تامین مالی کاهش می‌یابد - تنش جریان نقدی افزایش می‌یابد - ارزش خالص کاهش بیشتری می‌یابد» بین شرکت‌ها و شرکت‌های وابسته ایجاد می‌شود که تأثیر سیاست سخت‌گیرانه را تشدید می‌کند. و منجر به کاهش شدید عملکرد تجاری، تنش جریان نقدی داخلی و مشکلات تامین مالی خارجی می‌شود. در پایان، شرکت‌ها را به تعویق یا کنار گذاشتن پروژه‌های سرمایه‌گذاری با ارزش فعلی خالص مثبت سوق می‌دهد که باعث تشدید سرمایه‌گذاری کم و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌شود.

ادبیات موجود در مورد تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر کارایی سرمایه‌گذاری عمدتاً بر تأثیر ویژگی‌های کیفیت اطلاعات حسابداری مانند شفافیت اطلاعات حسابداری و تأثیر محافظه‌کاری اطلاعات حسابداری بر کارایی سرمایه‌گذاری متمرکز است. بیدل و همکاران (۲۰۰۹)، دریافته‌اند که اطلاعات حسابداری با شفافیت بالا می‌تواند عدم تقارن اطلاعات حسابداری شرکت‌ها را کاهش دهد، که به مالکان شرکت کمک می‌کند تا بر مدیران نظارت کنند، رفتار سرمایه‌گذاری کم و بیش از حد سرمایه‌گذاری را کاهش دهند و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های فهرست‌شده را بهبود بخشند. اما باتاچاریا و همکاران (۲۰۰۳)، به نتیجه معکوس رسیدند - یعنی شفافیت اطلاعات مالی با کارایی سرمایه‌گذاری رابطه منفی دارد. اوهارا، ۲۰۰۴ رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری را مطالعه کردند. آنها دریافته‌اند که محافظه‌کاری حسابداری نه تنها هزینه‌های تامین مالی خارجی را کاهش می‌دهد، به طور موثر محدودیت‌های تامین مالی را کاهش می‌دهد، بلکه درجه عدم تقارن اطلاعاتی را نیز کاهش می‌دهد، که منجر به حل مشکل اصلی-نماینده می‌شود، به طوری که از سرمایه‌گذاری ناکارآمد به روشی به موقع جلوگیری می‌کند. گارسیا لارا و همکاران (۲۰۱۶)، دریافته‌اند که محافظه‌کاری حسابداری نه تنها به طور موثر سرمایه‌گذاری کم را محدود می‌کند بلکه سرمایه‌گذاری بیش از حد را نیز کاهش می‌دهد. با این حال، برخی از مطالعات تجربی نشان داده‌اند که محافظه‌کاری حسابداری اثرات متفاوتی بر سرمایه‌گذاری کم و بیش از حد دارد. وانگ (۲۰۱۵)، دریافت که از یک سو، محافظه‌کاری حسابداری از سرمایه‌گذاری بیش از حد جلوگیری می‌کند و کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد، اما از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری کم را تشدید می‌کند و کارایی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. محققان به نتایج متفاوتی در مورد تأثیر ویژگی‌های یکسان کیفیت اطلاعات حسابداری بر کارایی سرمایه‌گذاری رسیده‌اند. در مقایسه با معیارهای ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، مانند شفافیت اطلاعات حسابداری و محافظه‌کاری حسابداری، تنها با استفاده از اطلاعات خود شرکت، قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری کیفیت اطلاعات حسابداری را بر اساس اطلاعات شرکت‌های موجود در صنعت اندازه‌گیری می‌کند. این روش از طریق مقایسه افقی بین شرکت‌ها و مقایسه عمودی در دوره‌های مختلف درون یک شرکت، برای آشکار کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها در بین شرکت‌ها سودمندتر است. بنابراین، می‌تواند اطلاعات

حسابداری با کیفیت بالاتری را در اختیار کاربران اطلاعات خارجی قرار دهد و دقت سود آنها را بهبود بخشد. پیش بینی، بهبود محیط اطلاعاتی شرکت، و کاهش عدم اطمینان در درک مدیران از شرایط بازار، که برای تشخیص پروژه های سرمایه گذاری خوب از ضعیف و افزایش کارایی در تصمیم گیری، سرمایه گذاری و تخصیص منابع مفید است (چن و همکاران، ۲۰۱۳). به طور کلی، مقایسه اطلاعات حسابداری می تواند اطلاعات مفیدتری را برای تصمیم گیری نسبت به ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری، مانند شفافیت و محافظه کاری فراهم کند و می تواند به شرکت ها در تصمیم گیری های دقیق سرمایه گذاری کمک کند تا کارایی سرمایه گذاری را افزایش دهند. بنابراین، در دوره تشدید سیاست های پولی، بهبود قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری می تواند محتوای اطلاعاتی و ارزش مرجع را برای کاربران اطلاعات افزایش دهد، به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران خارجی و شرکت ها، بهبود تامین مالی سهام و تامین مالی بدهی شرکت ها، کاهش سرمایه گذاری ناکافی ناشی از آن کمک کند. با محدودیت های تامین مالی و افزایش سودمندی تصمیم گیری. علاوه بر این، اطلاعات حسابداری با قابلیت مقایسه بالا می تواند حساسیت شرکت ها را نسبت به فرصت های سرمایه گذاری افزایش دهد (یوان و راتو، ۲۰۱۸)، به سرمایه گذاران و سایر ذینفعان کمک کند تا فرصت های سرمایه گذاری خوب را شناسایی و استفاده کنند، عدم اطمینان سرمایه گذاری بالقوه را که مدیران با آن مواجه هستند کاهش دهد (گائو و سیدو، ۲۰۱۸)، و سطح سرمایه گذاری کم را کاهش دهد. علاوه بر این، اطلاعات حسابداری قابل مقایسه از اطلاعات مالی شرکت های همتا به عنوان معیاری برای نظارت موثر مدیران و کاهش مشکل نمایندگی بین سرمایه گذاران و مدیران استفاده می کند (گائو و سیدو، ۲۰۱۸)، کاهش رفتار مدیرانی که برای رشد ارزش شرکت مضر است.

به تحلیلگران بنیادی بازار سرمایه که صورت های مالی شرکت ها را مورد بررسی قرار می دهند پیشنهاد می شود به معیارهای سیاست پولی توجه داشته و اثرگذاری آن بر عملکرد شرکت را مورد ارزیابی قرار دهند. به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود در بررسی شرکت ها برای سرمایه به قابلیت مقایسه بودن صورتهای مالی شرکت موردنظر توجه داشته و با شرکت های مشابه در صنعت مورد مقایسه قرار دهد. به مدیران پیشنهاد می شود سعی کنند با اتخاذ تصمیمات درست سرمایه گذاری سعی کنند بازدهی مثبت برای شرکت و افزایش ثروت سهامداران ایجاد کنند. به حسابرسان پیشنهاد می شود انجام خدمات حسابرسی به کیفیت گزارشگری اطلاعات حسابداری توجه داشته باشند و سعی کنند با ارائه پیشنهادهای به شرکت بر کیفیت گزارشهای مالی بیافزایند.

منابع

- ✓ احسانی، محمد علی، رضا، ایزدی، (۱۳۹۸)، تاثیر شفافیت بانک مرکزی بر تلاطم تولید، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، شماره ۴۷، صص ۳۵-۵۴.
- ✓ اسدی، لیلا، واعظ، سید علی، جرجر زاده، علیرضا، کعب عمیر، احمد، (۱۳۹۷)، تأثیر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی بر ارزش آفرینی شرکتهای دارویی و غیر دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران حسابداری سلامت، شماره ۱۷، صص ۳۱۱.
- ✓ بادآور نهندي، یونس، تقی زاده خانقاه، وحید، (۱۳۹۷)، تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت. بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۱۸۱-۱۹۸.
- ✓ بنایی قدیم، رحیم، کریمی، زینب، واعظ، سید علی، (۱۴۰۱)، تأثیر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی بر قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری. پژوهش های راهبردی بودجه و مالی، شماره ۴.

- ✓ پور عبدالله، زهرا، بادآور نهندی، یونس، برادران، حسن زاده، رسول، (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام اولین همایش ملی حسابداری.
- ✓ حاج موسوی، سارا سادات، محمودزاده، محمود، ادیب پور، مهدی، (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر شفافیت سیاست پولی بر رابطه سیاست پولی - ریسک پذیری بانک ها، مطالعه بین کشوری، بررسی های بازرگانی، شماره ۱۱۵.
- ✓ حاجی هاشمی، منصور، صادقی عمروآبادی، فدائی، (۱۳۹۹)، تحلیل اثر شفافیت بانک مرکزی بر نوسانات نرخ ارز در اقتصاد ایران، پژوهشهای رشد و توسعه پایدار) پژوهشهای اقتصادی، شماره ۲، صص ۸۳-۱۱۶.
- ✓ رحمانی، علی، قشقایی، فاطمه، (۱۳۹۶)، رابطه قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی و تعهدی بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۴، صص ۵۵۰-۵۲۷.
- ✓ رضایی پیشه نونی، یاسر، عبداللهی، احمد، (۱۳۹۸)، قابلیت مقایسه صورتهای مالی و احتمال گزارشگری متقلبانه پژوهشهای حسابداری مالی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۸۹-۱۰۴.
- ✓ رفیعی قره شیران، ثریا، کریم، امامی، غفاری، (۱۳۸۸)، شناسایی عوامل تاثیرگذار سیاستهای پولی بر سیستم بانکی، فصلنامه علمی - پژوهشی مدل سازی اقتصادی، دوره ۱۳، شماره ۴۶، صص ۱-۲۴.
- ✓ زلفی، سحر، حسن زاده، مرتضی، (۱۳۹۶)، تأثیر بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت روی پایداری سود. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۳۸.
- ✓ ستاری، امید، کاظم، یآوری، حسن، حیدری، (۱۳۹۷)، بررسی عوامل موثر بر شفافیت سیاست پولی در کشورهای منتخب خاورمیانه، سیاستگذاری اقتصادی، شماره ۵، صص ۵۵-۷۶.
- ✓ Angeloni, I., Faia, E. & M.L. Duca. (2015). "Monetary Policy and Risk-taking, Journal of Economic Dynamics & Control, 52, 285-307.
- ✓ Chen, A., & Gong, J. J. (2019). Accounting comparability, financial reporting quality, and the pricing of accruals. *Advances in accounting*, 45, 100415.
- ✓ Chen, M., Wu, J., Jeon, B.N. & Wang, R. (2016). Monetary Policy and Bank Risk-taking: Evidence from Emerging Economies, *Emerging Markets Review*, 31, 116-140.
- ✓ Khuong, N.V.; Rahman, A.A.A.; Meero, A.; Anh, L.H.T.; Liem, N.T.; Thuy, C.T.M.; Ly, H.T.N.(2022). The Impact of Corporate Social Responsibility Disclosure and Accounting Comparability on Earnings Persistence. *Sustainability*, 2(14), 2752. 2-14.
- ✓ Lara, J. M. G., Osmá, B. G., & Gazizova, I. (2018). Corporate Social Responsibility and Financial Reporting Quality: Evidence from CSR-Disasters. 1-60.
- ✓ Muto, I. (2012). "Productivity growth, transparency, and monetary policy". *Journal of Economic Dynamics & Investigating the factors affecting the transparency of monetary policy in selected Middle Eastern countries. Economic Policymaking*, 5:55-76.
- ✓ Ratajczak, P.(2021). The mediating role of natural and social resources in the corporate social responsibility—Corporate financial performance relationship. *Manag. Decis. Econ.* 5(42), 100–119.
- ✓ Salewski, M., & Henning, Z. I. (2012). The Impact of Corporate Social Responsibility (CSR) on Financial Reporting Quality. <http://www.ssrn.com>.
- ✓ Thanh Liem, N. (2021). Accounting comparability and accruals-based earnings management: Evidence on listed firms in an emerging market. *Cogent Bus. Manag.*4(8), 1923356.
- ✓ Thuy, C.T.M.; Khuong, N.V.; Canh, N.T.; Liem, N.T.(2021). Corporate Social Responsibility Disclosure and Financial Performance: The Mediating Role of Financial Statement Comparability. *Sustainability*, 13(18):10077.

- ✓ Wang, F., Zhang, Z., & Xu, L. (2020). Corporate social responsibility and financial statement comparability: Evidence from China. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(3), 1375-1394.